رب یسر — بسم الله الرحمن الرحیم — وتمم بالخیر

سبحان الله وبحمده زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان را بوجود آورده
ولم یکن شیئا مذکورا او هم جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته جعله سمیعا
بصیرا و با اینهمه ضعف و ناتوانی و جهل و ظلم و این بار امانت را که زمین و
آسمان تاب تحمل آن نیاوردند متحمل ساخته وکان ذالک علی الله یسیرا و بر یک
را بخوبی رهنمونی فرموده اما شاکرا و اما کفورا و برای شاکران نعمت و مودیان
امانت جنات النعیم مرتب ساخته واذا رایت ثم رایت نعیما وملکا کبیرا و برای
کافران که از نعیم منعم و رب کریم رو گردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و
اغلالا و سعیرا و از کمال رافت انبیا و رسل فرستاده مبشرا و نذیرا و تکمیل دین متین
و تتمیم نعمت عظیم فرموده ببعثت خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم داعیا
الی الله باذنه و سراجا منیرا اللهم صل و سلم وبارک علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة
المقربین و علی آله و اتباعه و اصحابه و احبابه الذین یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره
مستطیرا اما بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می نگارد که خوف و طمع از
جناب الهی جالب جمیع خیرات و حاجز از جمیع مکاره و سیئات است و اطلاع بر احوال

قیامت

٦٠٧/١

قیامت مثمر این برکات لهذا این فقیر چند ورق در باب بزبان فارسی بانتخاب و اقتباس
از بدور السافرة تصنیف امام همام علامه شیخ جلال الدین ابن شیخ کمال الدین ابی بکر السیوطی رحمة الله
علیه مینویسد تا عامه مومنین از آن متمتع شوند و این عاصی را بدعای خیر خاتمه و مغفرت
ذنوب امداد و اعانت فرمایند والله المستعان وعلیه التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم **باب اول** در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آیند این باب در
بدور السافرة هست **فصل** نوع اول علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت
کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاده
و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بیست زن یک مرد
قیم باشد و در صحیحین از عبدالله بن عمرو از آن حضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از
سینه های مردم محو نخواهد شد لیکن علما بمیرند و سرداران جاهل باشند بی علم حکم کنند گمراه شوند و
گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه غایب شود ما
قرآن میخوانیم و پسران خود را می آموزیم و ایشان پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت
باشند آنحضرت فرمود من ترا دانای دانستم نمی بینی یهود و نصاری توریت و انجیل میخوانند
و بران عمل نمیکنند و مسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دروغگویان
بسیار باشند و بخاری از ابو هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که کارها سپرده شوند

ضمیر

کسانرا که اهل آن نباشند و مسلم از ابو هریره از آنحضرت آورده که مردم از کثرت بلا آرزوی موت
کنند و ترمذی از ابو هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده وقتیکه مال غنیمت را مردمان
دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت شمارند و زکوة را تاوان دانند و علم را برای دنیا آموزند
و مرد فرمان برداری زن کند و نافرمانی مادر کند و یار را نزدیک و پدر را بعید کند و در مساجد آواز
ها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردانرا گرامی
کرده شود و مطربه‌ها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امه اول امه را لعن کنند
پس منتظر باشید در انوقت باد تند را که سرخ رنگ باشد و زلزله و خسف و مسخ و قذف و دیگر
علامات قیامت پیاپی آیند چنانچه رشته گسیخته شود و دانه‌ها که در ان منتظم باشند فرو ریزند
و ترمذی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم ربا که زنی و در ان پوشیدن حریر هم
گفته فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از آنحضرت روایت
کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من
باشد و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند چنانچه از جور پر شده بود و ابو داود از علی
رضی الله عنه روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است
چنانچه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد
مشابه باشد آنحضرت در خلق نه در خلق ابو داود از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله

علیه

علیه وسلم آورده در صفت مهدی که گشاده پیشانی بلند و باریک بینی و ابوداود از
ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که پادشاهی بمیرد و در آخر زمان مردی از
اهل مدینه برآید و بسوی مکه گریخته رود و اورا مردم برای خلافت برآرند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بر وی فرستاده شود
پس آن لشکر در میان مکه و مدینه در زمین فرو برده شوند و ابدال از شام و عصایب از عراق
آمده با وی بیعت کنند پس مردی از قریش برآید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی
بر وی لشکر فرستد و بر وی غالب شود و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و
اسلام در وقت او آرام گیرد هفت سال پادشاهی کند پس بمیرد و مسلمانان بر وی
نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده زمین را از
عدل پر کند و اهل آسمان و زمین ازو راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکنند مردم آرزو کنند و گویند در این وقت مردگان اگر زنده بودی خوش آسایش
کردی و حدیث جابر در صحیح مسلم است که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت
کند هر دو دست و مسلم از ابوهریره روایت کرده از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که قیامت
قایم نشود تا که مال بسیار شود بحدی که مرد زکوة برآرد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
فصل نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبدالله بن عمرو آورده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم

اول آیات طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یک
از پنها باشد دویم قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی و اذا وقع القول علیهم اخرجنا
لهم دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بآیاتنا لا یوقنون یعنی و هنگامیکه واقع شود
حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم دابة الارض که سخن کوید
با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نداشتند و در قرائت غیر متواتر تکلمهم بفتح تا و سکون کاف
و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند ابن عباس
گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافرانرا زخم زند و در روایات احادیث اختلاف
هست در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سایر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در مکه از کوه صفا برآید ابن عباس
در جیب کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت میشنود و
بسیار عظیم الجثه باشد عبدالله بن عمر گفته که سر او با بر رسد و پای او هنوز در زمین
باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که دابة الارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد و در مکه ذکر او
نرسد بار دوم در صحرا قریب مکه بر آید و ذکر او در مکه رسد سیوم بار در مکه بر آید سر خود را
از خاک افشاند و بر مردم گذرد بسرعتی که کسی از وی گریختن نتواند و نجی

بر مردم

کوید

گوید مسلمان را یا مؤمن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی آمده که با وی عصای موسی
و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مؤمن نکته سفید شود و لفظ مؤمن نوشته شود
و تمام روی او روشن شود مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود بعد ازان مردم شناخته شوند بازار بگویند ای مؤمن
رخصت بکنید می دهی و ای کافر بکنید می دهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض
بحضور عیسی باشد عیسی و مسلمانان در طواف باشند که زمین بلرزد و صفا شکافته
شود و دابه بر آید لیکن در صحیح مسلم آمده است که اول آیات طلوع شمس از مغرب باشد
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف
و نهی منکر باقی نماند و هیچ کافر بعد ازان ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت
کرده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم قسم بکسی که جان من در دست اوست قیامت قائم نشود
تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دسته تازیانه و شراک نعل کلام کنند و ران مرد
خبر دهد بر چیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن اسید غفاری از رسول
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قایم نشود قیامت تا که ده چیز پیش ازان بظهور نیاید دخان
و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج
و ماجوج و سه خسف یکی در مشرق دویم در مغرب سیوم در جزیرة عرب و آخر هم

آتشی از یمن برآید که مردم را بسوی محشر برد و بعضی زمین شام و در روایتی دیگر بادی بیاید وزد
که مردم را در دریا افکند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که طلوع
آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن ایمان کافر و توبه
مقبول نباشد و بعضی گفته‌اند و نیز از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که
علامات قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن
که مردم را بسوی محشر برد حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند
فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین یغشی الناس هذا عذاب الیم فرمود دخانی
از مشرق تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافر را
حالت مستی روی دهد و از بینی و گوش و دبر دخان برآید و ابن مسعود از بن معنی انکار
کرده و در صحیح بخاری است که ابن مسعود گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بیدینی کردند
آنحضرت دعا کرد قحط عظیمی شد که مردم استخوان خوردند و از شدت گرسنگی آنها را
از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن مروی از حذیفه و غیره معلوم میشود که دخان
هم از علامات قیامت باشد و به قول ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری **فصل** در قصه
دجال از رسول صلی الله علیه وسلم در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد
و در بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر نوشته باشد که هر کس

از مسلمانان

از مسلمانان خوانند کافر باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان شام و عراق بیرون آید
هفتاد هزار کس از یهود اصفهان با وی باشند بر هر سو فساد کنند چهل روز باشد یکروز برابر سال و روز دوم
برابر ماه و روز سیوم برابر هفته و دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال
باشد ما را نماز یکی کفایت کند فرمود نه اندازه کرده نماز خوانده باشید و مثل باد تند در زمین
سیر کند بر جماعتی آید که من پروردگار شما ام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید
باران ببارد و زمین را بگوید پس زراعت پیدا شود و مواشی آنجماعه فربه و شیر دار شود و
بر قومی دیگر بگذرد آنها را همچنان گوید آنها سخن او را رد کنند پس مالهای ایشان هلاک شود و بر
زمینی خراب بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آر خزانهای زمین پس روی او کنند مردی
مسلمانی پیش او آید پیش روان او گویند کجا میروی گوید بسوی این شخص که برآمده است آنها
گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست گویند این را بکشید پس
بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را نکشند پس او را
حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید این دجال است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن
خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنند او را بگیرند و بزنند و بگوید که ایمان بمن آر
او گوید که تو مسیح دجال هستی آن زمان امر کند که او را از سر تا قدم اره کنند و خود از میانی هر دو
قطعه بگذرد دیگر او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا بمن ایمان می آری

دوباره

مومن گوید که حالا زیاده تر نزاد دانستم که تو دجالی هستی مومن گوید ای مردمان حالا اینچنین با کسی

نخواهد کرد پستر او را دجال بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردن او از مس گرداند کارد کار نکند

ذبح

پس دست و پایش گرفته بیندازد مردم دانند که بسوی آتش برتافته است و او بسوی جنت انداخته

شود رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که آنکس بزرگتر باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورة

جنة و نار باشد چیزی را که مردم جنت دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی

از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را

شمشیر زند و دو قطعه کند پستر او را بخواند و او برخاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود درین حال

عیسی علیه السلام هر دو دست بر بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرو آید در حالی که

چون سر فرو کند قطره ها از سرش افتد و چون سر بالا کند از ان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر را

اگر بوی او رسد بمیرد و دمش رسد جائیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب لد

که دهی است نزدیک بیت المقدس دریابد و او را بکشد پس مسلمانان که از دجال محفوظ باشند

مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس

ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که بر آورده ام از بندگان خود بندگانی که کسی قدرة

جنگ با آنها ندارد نگاه دار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی یاجوج و ماجوج را فرستد

که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیش روان آنها بر دریای طبریه بگذرند تمام آب

آنرا بنوشند چون آخر ایشان آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند

آنها تا آنکه رسند به جبل خمر کوهی است نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم بیائید

که اهل آسمان را بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای ایشان را به خون

باز گرداند و نبی الله عیسی علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو نزد آنها بهتر

از صد دینار نزد شما پس رو آورند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی

فرود آیند

گردنهای ایشان پیدا کند پس همه آنها بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین و یک وجب

زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا

کنند حق تعالی جانوران پرنده بفرستد که گردنهای آنها مثل شتران بختی باشد پس آنها را برده بگذارند

جائیکه خدا خواهد باز از کمانهای و تیرهای و ترکشهای ایشان آنقدر باقی ماند که تا هفت

سال مسلمانان هیمه سوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از خشت یا از چرم و پشم

از آن باران پناه نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آئینه پس بفرماید

حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر برکت دهند

که جماعتی بخورند و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار

کفایت کند جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت

کند قبیله خورد را همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها

بکیرد در آن باد همه مسلمانان بمیرند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر آنها
قیامت قایم شود و در صحیح آمده که دجال از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه احد فرود
آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه روی او را بسوی شام کردانند
و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هرکه دجال را دریابد آیات اول سورهٔ کهف
بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابوهریره روایت کرده که دجال بر خر باشد میان دو گوش
آن خر هفتاد باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم است و در صحیح قصه تمیم داری است از آن معلوم
میشود که دجال موجود است محبوس است در جزیره دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه
و مدینه دجال را میسر نشود

فصل

و در صحیحین از ابوهریره مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده قریب است که فرود آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می‌پرستند
و بکشد خوکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصاری و غیرهم
کفار از اینجا معلوم میشود که نصاری بر کفر خود باشند و بعضی کرویده شوند و مال بسیار تقسیم کند
تا آنکه کسی قبول نکند و یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و مافیها و مسلم زیاده کرده که شتر
ماده جوان را گذاشته شود کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند
و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده
که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما امامت کنید و نماز گذارید بگوید بعض

شاد بعضی [illegible] امیر باشند برای اکرام این امت و ابن جوزی از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند و او را اولاد شود و چهل و پنج سال
باشد پس بمیرد و با من در قبر من دفن کرده شود و روز قیامت من و عیسی برخیزیم در میان
ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر و از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی
هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست که بودن عیسی در زمین چهل
و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد از
نزول **فصل** از ابوهریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت
فرات گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از آن و در روایتی در
صحیح مسلم از ابوهریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرات کوهی از زر بیرون دهد مردم
بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید که شاید که من باشم که نجات
یابم و نیز مسلم از ابوهریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قی کند زمین جگر گوشهای
خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم
و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست
من قطع کرده شده پس گذاشته شوند مردم تا کسی بگیرند و کسی آنرا نگیرد این هر دو حدیث بر دو
از جهة مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول

رحم

نکنند والله اعلم وسلم از عبدالله بن مسعود وانس وغیرهما روایت کرده که قیامت نخواهد
مگر بر بترین خلق کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و
مردم معروف و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود بهیئت پرستی دلالت کند دلالت دوحی
و ذو الخلصه را پرستند آنگاه نفخ صور شود و هر که شنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم
نفخه اول ست که از ان بمیرند و در حدیثی آمده که نفخه اول فزع است که از ان نفخه اهل آسمان و زمین
در فزع و دهشت آیند از ان نفخه کوهها بپرند و مثل ریگ ریزه پریشند و زمین در لرزش آید چنانچه کشتی
در دریا می لرزد و مردم از لرزش زمین مضطرب شوند و زمین خرامن و مردمان که در زمین باشند
بمیرند افکنند و زنان باردار اسقاط حمل کنند و بچگان جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول
بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه روهای ایشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند بعض
بعض را اندا کنند آنگاه زمین بشکافد و آسمان مانند درزی شود پس بشکافد و ستارگان بریزند
و شمس و قمر بی نور شوند اینهمه عذاب بر شرار خلق باشد و مردگان را ازین خبر باشد همه برین حال چندی
باشند پس حکم شود اسرافیل را که بار دوم در صور بدمد در ان دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعد
ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش پس حکم شود جبرائیل
و میکائیل بمیرند پس حاملان عرش بمیرند و عرش را حکم شود صور از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی
بفرماید لمن الملک الیوم کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لله الواحد القهار (باب دوم) در احوال

روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار بعد نفخه ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین
چون چهل سال بگذرد باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز تا که آب بالای زمین دوازده
گز شود و ازان آب حق تعالی اجساد مردگان را برویاند چنانچه سبزه از زمین می روید چون جسدهای
آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند و آسمانی دیگر از زر پیدا کند و
مردگان را ازین زمین بران زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پس تر حق تعالی حاملان عرش را
زنده کند پس تر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و بر لب نهد پس تر جبرئیل و میکائیل و
دیگر فرشتگان را زنده کند و ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان به نور ایمان تابان و درخشان
و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد پس بحکم خدا اسرافیل صور
بدمد ارواح باین نفخه دویم باشد یا سیوم مانند نحل از صور برآیند و بحکم الهی هر یک روح در جسد خود داخل
شود و از راه بینی و زمین بشگافد و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول کسی
که از زمین برآید من باشم پس تر همه مومنان از قبور برآیند مومنان وقت برخاستن گویند الحمد لله الذی
اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و کافران وقت برخاستن گویند یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا
هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون بر جماعتی برانگیخته با اهل عمل خود صالحان با صالحان فاسقان
با فاسقان و کافران با کافران رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر
و عمر پس برایم بسوی بقیع پس مردم بقیع با من جمع شوند پس تر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کسی

حشر کرده شود بر عملی که بران مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون بر آید که در رنگ
مثل خون و بوی مانند مشک باشد و هر که در حج مرده تکبیر گویان بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی
بر خیزد و مثل این حدیث هر عمل نیک یا بد در صحیح آمده که همه کسان برهنه غیر مختون محشور شوند اول کسی
که پوشانیده شود ابراهیم علیه السلام باشد که دو پارچه سفید قبطی از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله
علیه وسلم به بهتر از آن پستر دیگر رسل و انبیا پستر پوشانیده شوند موذنان و در بعض احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شدند برانگیخته شوند و بعض گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت مدفون کرده
بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و برهنه گردند پستر هر یک موافق
عمل او پوشانیده شود و بعض گویند مراد از پارچه اعمال صالحات حق تعالی میفرماید و لباس التقوی ذلک خیر پستر
رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود و حسنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند پستر متقیان بر ناقه های
بهشت با زینهای طلا و مهارهای زمرد سوار کرده بمحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برهنه و کافران را
بر رویهای شان کشیده برند و در حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور بر آیند عمل او بر صورت انسان با وی
ملاقات کند عمل مسلمان بر نیکترین صورت و خوشترین بو و بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم
مگر آنکه حق تعالی چه خوش دل بهشت ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح تو ام در دنیا بر
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر من سوار شو یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا کنایه از آن است و عمل
کافر به بدترین صورت و گندترین بو با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است

حق تعالی صورة تو و بوی تو نکو بر تجلی بودی تو در دنیا من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من
اکنون من بر تو سوار میشوم و هم یحملون اوزارهم علی ظهورهم عبارة ازان است و چون از قبور روان
شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی همراه باشند و شاهد باشند بر آنها مسلمانان را بگویند لا تخف
ولا تحزن وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون یعنی خوف مکن و غم مخور و خوشی باش ان بهشت که حق تعالی
ترا وعده کرده بود کافران و منافقان بر صورتهای زبون باشند با بعضی بر صورة خوک یا سگ
یا بوزنه و مانند آن باشند و ربوا خواران مانند دیوزدگان ایستادن نتوانند و آنکه مال یتیمان بظلم خورده
باشند چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان بر آید قال الله تعالی انما یاکلون فی بطونهم نارا متکبران
بر صورة مورچه ها باشند هر کسی ایشان را پایمال کند و هر که بدون حاجة سوال کند چون از قبور برخیزد بر روی او
مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمانی به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او ناامید از رحمت
خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد و عدل
نکند روز قیامة یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در
گردن سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمة شتر یا اسپ یا استر یا دیگر مال
خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی بر گردنش سوار کرداند هر که زیاده از حاجت عمارة
کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارة را بر دوش خود بردارد و هر که زکوة مال نداده

قبر

او را

باشند زر و سیم او را باتش گرم کرده داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکوة نداده باشد
آن جانوران تا پنجاه سال بروی بگذرند و او را پایمال نمایند هر که حاکم باشد اگرچه برده کسی حکم رانده باشد آورده
شود او را دست او بگردنش بسته اگر نکوئی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق
بگردنش کرده شود هر که از مسئله سؤال کرده باشد و او جواب مسئله میداند و پوشیده دارد او را از آتش لگام
داده شود و هر که در قران بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود والسلام و قران و اعمال
صالح شفاعت کنند و در ثواب قاریان قران مادر و پدر ایشان را حله ها پوشانیده شود و تاج بر سر ایشان
شود مرسل فخر موجودات صلی الله علیه وسلم از آتش سپر بگیرند بگویند سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله
اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیرزنی سفید موی ازرق
چشم گرسنه المنظر آورده شود و او را خلایق بینند و گفته شود که این را می شناسید مردم گویند نعوذ بالله
من معرفته بنده گفته شود که این دنیا است که بدان تفاخر میکردند و با هم حسد و قطع رحم می نمودند و بعضی جنگ میکردند
پس او را بدوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع
و پیروان او را نیز با وی اندازند شعر بروز حشر شود همچو روز معلومت که با که باخته عشق در شب دیجور
و بیهقی از عبدالله بن ابو حفصه و عمر بن عتبه روایت کرده که دنیا را آورده شود و هر چه در دنیا بود
برای خدا داشتند آن را جدا کرده است و آنچه برای غیر خدا است در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرموده اند سه چیز زیر عرش باشند قران و امانت و رحم شفاعت کنند و رحم گوید هر که وصل

کرده

کرده الهی با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و لمانه
و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان محشور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از
اعمال نیک صورتهای خوب و از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان بنهند و اصحاب کشف مجسم این
احادیث را بر صورت حقایقه حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بچیزی از ان تاویلات نتوان
کرد و بحث از ان نباید نمود فصل چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر ایشان غالب باشد و هر پیغمبر را در آن
روز حوضی باشد و هر امتی را علامتی باشد که بشناسند از ان علامه امت خود را اینست سید ولد الکل
صلی الله علیه وسلم را حوضی باشد بنام کوثر و بمعنی جر کثیر طول و عرض آن یکماهه راه باشد آب آن سفیدتر
از شیر و شیرین تر از عسل و سردتر از برف و خوشبوتر از مشک و بر آن آب کوزه ها باشند مانند ستارگان
فرمود ابواز از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و در آن دو جوی آب از بهشت افتند و علامه امت سرور
صلی الله علیه وسلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از اثر آن و علی ابن ابی طالب رضی الله
عنه ساقی باشد هر که از آن آب داد باز تشنه نشود بعضی علما گویند که ورود بر حوض بعد گذشتن
از صراط باشد و بعضه پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت برخاستن از قبور داده شود
و بعضی را بسبب معاصی بدر آن وقت آب نداده شود بعد خلاصی از دوزخ پیش از دخول جنت داده شود تشنگی آن
بر داشتن در صوم سبب خوردن آب کوثر باشد مشرکان را آب کوثر در نصیب نیست و علما گفته اند که اهل الخطا
یعنی روافض و خوارج از آب کوثر تمام محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

ومعتزله و مانند

فصل وچون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود بهفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته وقتیکه
دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد بجنبد وحمله کند بقسمی که انبیا وملائکه از خوف وی بر زانوها
افتند ونفسی نفسی گویند ورسول کریم صلی الله علیه وسلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید اولیائی من
اند که لا خوف علیهم ولا هم یحزنون سرد خواهیم کرد جهنم ترا هوشی اله تو با محمد وآفتاب نزدیک
شود ودران روز بقدر یک میل وحرارت او زیاده کرده شود ومردم در عرق غرق باشند بقدر گناهان خود بعضی
تا شتالنگ وبعضی تا زانو وبعضی تا کمر وبعضی تا دهن علما گفته اند که این از خوارق آن روز است که در
زمینی برابر متفاوت در عرق غرق شوند ودران روز سایه اعمال صالحه باشند بسبب اعمال صالحه
و دوام ذکر خدا وعدالت حاکمان ورحم بر ضعیفان وترسیدن از خدا وتعلم قرآن ومحبت داشتن
با صالحان خالصا لله وحسن اخلاق وصله رحم ومانند آن در سایه عرش خدا باشند کسانیکه خالصا لله
بی واسطه قرابت ومانند آن باهم دوستی کنند ومردم را دوست خدا سازند وبا خدا دوست سازند
ودران روز حق تعالی ایشان را بر منبرهای نور نشانند زیر قبه ها از سیم نشانند که مرصع باشند بمروارید
وباقوت وبپوشش آن قبه ها از سندس واستبرق باشد حتی دران روز مردم در عرصات در عرق غرق
ومحبوس باشند واز طول انتظار آرزو کنند که ازان مقام رهائی یابند اگرچه بدوزخ روند آن [illegible]
شفیع طلب کنند اول از آدم بعد از نوح بعد از ابراهیم بعد از موسی بعد از عیسی شفاعت خواهند
کی از انها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد

ابی

پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه فرشته بیاید و بگوید یا محمد صلعم چه میخواهی آنحضرت بگوید
یارب وعده کرده بودی بمن بقبول شفاعة شفاعت من قبول کن و درمیان خلایق قضا کن
حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آییم رسول فرمود صلی الله علیه وسلم پس همراه مردم باشیم
ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان پائین فرود آیند و زمین از ایشان پر شود از جن و انس که
در زمین باشند از همه شان افزون باشند و صف بسته باشند بیشتر اهل آسمان دویم بسیار زیاده از
اهل زمین و آسمان اول بیشتر اهل آسمان سیوم زیاده از دو و همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند هر یک
زیاده از ماسبق بیشتر حق تعالی نزول فرماید فی ظلل من الغمام مراد از نزول والله اعلم بنحوی از تجلی
باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر انسانی
عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یارب این شخص مرا بی فائده کشت نه خورد و نه منفعت
گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تا رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی که بسبب کشتن گربه در دوزخ
رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه واگذاشت تا از حشرات زمین میخورد و شخصی شتری را
علف نداد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت خواهد کرد چون قصاص
جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من هم خاک میشدم پس
حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید رسانیدم امت او را طلب کنند
و گوید که نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا و امتان شان سوال کند کافران

منکر شوند حق سبحانه تعالی از انبیا شهود طلب کنند گویند امة محمد صلی الله علیه وسلم شاهد ما است امة محمد صلی الله
علیه وسلم را طلب کنند ایشان شهادت دهند که انبیا راست میگویند گفته شود که شما از چه دانستید گویند
که پیغمبر ما کتابی از نو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست گفتید و پیغمبر ما
صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بصدق امة خود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض شود روز قیامة اول
آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دویم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا علیهم السلام عذر تعذیب ایشان را
کند و حجة بر ایشان قایم کند سیوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست هر یک آید آنحضرت صلی الله علیه وسلم
میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی بر انگیزد که نامه اعمال هر یک بپریده بدست او
افتد مومنان را در دست راست و کافران را در دست چپ از پس پشت اول سطر آن باشد
اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا یعنی بخوان نامه اعمال خود را کفایت میکند نفس تو
بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی است مر کسی را که در نامه او استغفار بسیار باشد
و اعضای انسان بر وی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بر وی شهادت دهند
آنزمان آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از
هزار کس یکی به بهشت و نهصد و نود و نه بدوزخ و میزان قایم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردم را
دران سنجند میزان را لسان باشد آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد بنوعی که اگر آسمانها
و زمینها دران سنجیده شود گنجایش دارد و صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان

مطلقا وزن نباشد حبطت اعمالهم در حق ایشان است در صحیحین از ابو هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیه خواند و لا نقیم لهم یوم
القیامة وزنا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرة او را هیچ حسنه باقی
نماند و مومنان را حسنات در یک پله ترازو نهاده شود و سیئات در پله دویم پس اگر سیئات از حسنات زیاده باشد
اگر حق تعالی خواهد بخشد و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ
کند و او را به بهشت برد بزار و بیهقی از انس روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که چون ابن آدم
سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود فرشته ندا کند همه خلق شنوند که این شخص نیکبخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد
و اگر میزان او سبک شود بگوید که این کس بدبخت شد هرگز نیکبخت نخواهد شد در احادیث آمده سبحان الله نصف
المیزان و الحمد لله پری میزان است و لا اله الا الله راجح تر است از جمیع خلایق و الله اکبر همچنین و خلق صالح
کسی بمیرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم و دیگر حسنات موجبه ثقل میزان اند و ذهبی از
عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی علما با خون شهیدان روز قیامة وزن
کرده خواهد شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد و از حماد و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را روز
قیامة در میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابر ها در میزان او آید گفته شود این چیست گفته شود که این اثر
آنست که مردم را علم آموخته و این خیر از و جاری مانده و از ابی الدرداء مرویست که هر کرا ابتدای حکم
و فرح باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم بحشر جمع شوند و کفار از مومنین ممتاز گردند و دوزخ محیط

محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید خزنه دوزخ او را بگیرند و بگوید قسم بعزت پروردگار من بگذارید مرا
با ازواج من گویند ازواج تو کیستند گوید هر متکبر جبار نافرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در
شکم خود کند و باز همچنین کند و بگوید بگذارید مرا با ازواج من گویند کیستند ازواج تو گوید کل ختار کفور یعنی عهد
شکن ناسپاس آنها را برچیند و در شکم گیرد و باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگذارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید کل مختال فخور یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که او را دو چشم
باشد و زبانی فصیح و بگوید که من آمر کرده شده ام برای کسی که با الله معبودی دیگر گیرد و بهر جبار عناد کننده ناحق
و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را برچیند پیش دیگر آدمیان به پانصد سال و این مرجان
در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو
قسم را گردنی از دوزخ برآید و برچیند چنانچه کبوتر دانه می چیند اول آنکسانی باشند که کافر باشند بجدا از
راه تکبر و انکار دویم آن قسم باشند که کافر باشند بجدا از راه جهل و غفلت بیشتر گفته شود که هرکس که با خدا
دیگر پرستش کرده است با معبود خود شود آفتاب پرستان پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش
و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان خود داخل دوزخ گردند و بگویند لو کان هؤلاء
آلهة ما وردوها یعنی اگر اینها معبود بحق بودی داخل دوزخ نشدی بیشتر جماعه چهارم آن باشند که خدا
را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند و در صفات الهی براه جهل رفتند چنانچه کفار یونان بیشتر قسم خامس
و سادس یهود و نصاری باشند در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه ایم حاد آب

دهند گفته شود بروید وانشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را منظر آید دران افتند
در حدیثی آمده که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصارا و یکی فرشته
بصورت عزیر برای یهود ظاهر شود تا آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گوید ظاهرا نیز بود
یهود و نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر
را رسول دانسته و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها در فرقه
خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و درمیان شان منافقان باشند حق تعالی
ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند والله ما
سوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند که منتظر ایم تا که حق
را بعلامتی که می شناسیم ببینیم آنزمان حق تعالی تجلی کند بنحوی که ازان تعبیر فرموده یوم یکشف عن ساق
ویدعون الی السجود و حکم کرده شود بسجود مومنان مخلص فی سجود روند و منافقان را پشتها مثل شاخهای
گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد و در دوزخ انداخته شوند پس مسلمانان سوال
کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود اول سوال کرده شود از خون
[illegible] بیا مقتول گوید یارب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد حالانکه او دانا است غازی
فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت مر ترا باشد حق تعالی فرماید راست گفتی و روی او را
حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان همسایه او کنند و بهشت رسانند دیگری قاتل گوید کشتم او را تا که

عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده بود بدوزخ بیشتر در دیگر مظالم حکم بعوض کرده بود
تا آنکه کسی که شیر آب آمیخته فروخته است تکلیف داده بود که شیر را از آب جدا کن و سوال کرده شوند
مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند از علم که بران عمل کردید
یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده مدارید خیانت در علم سخت ترست از خیانت در مال حق تعالی
از این سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال کرده خواهد شد
و از ازواج و از اموال و ممالیک و غیره سوال کرده خواهند از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را
بنوافل جبر نقصان کرده خواهد شد بیشتر در زکوة بیشتر و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر
کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول رسید در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از
خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر خوبی امامت کرد او را ثواب باشد مثل ثواب همه مقتدیان و هر چه
نقصان کند بر گردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد از پارچه که بدان ستر عورت کنند و از [illegible]
نان که بدان گرسنگی دفع کنند و خانه بقدر آنکه از گرمی و سردی پناه کنند و سوال کرده خواهند شد از آنکه با که
دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی خواهد فرمود هر که با دوستان من
دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از پادشاهان و قاضیان و حاکمان
و سرداران سوال کرده خواهند شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال و اولاد شوهر چه کرد

داز بنده که در عمال نبید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی فرشتگان را از آن گناه فراموشی

دهد و همچنین جوارح او را و زمین را که شاهد بودند گناهان را فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبت

غیره

رسد اگر خاری در پای او خلد و او را موجب اجر داند و صبر کند آن مصیبت عوض گناهانش شود و از جزای

گناه در آخرت محفوظ باشد و بعد حساب شدن اعمال اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی

اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد و ستر عیب کند احمد از ابو هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله

علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون

برحسنه آید خوش گردد حق تعالی فرماید از تو قبول کردم او سجده رود و چون بر خواندن گناه رسد غمگین شود و بگرید

حق تعالی فرماید که ترا بخشیدم باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود و با هم مردم گویند چه

خوش است این مرد هیچ گناه نکرده است و نمیدانند که در میان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب

یسیر گویند حاکم از عائشه روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اللهم حاسبنی حسابا یسیرا

چون از نماز فارغ شد گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامه

اعمال به بیند و از او بگذرد من نوقش فی الحساب یا عائشه هلک و اگر زیاده فضل فرماید عوض

گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی میفرماید فیبدل الله سیاتهم حسنات و مسلم از ابی ذر روایت کرده

که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بر وی عرض کرده

شود و او بدان اعتراف کند و بترسد از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب

نیکی میشود آنگاه آمرزد بطمع ثواب گوید که مراد دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الکل صلی الله علیه وسلم ازین
سخن خندید که دندان مبارک ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را
روز قیامت نامهٔ اعمال او در دستش داد بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پائین صحیفه حسنات خواند باز
چون بالای صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و حاکم از ابو هریره روایت کرده که میگفت بعض
مردم روز قیامت دوست داشتند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که یبدل الله سیآتهم حسنات
در شان آنها است در مقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیه استغفار و ندامت
میکنند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت مینماید دوم آنکه
کسانیکه غرق دریای عشق و محبت الهی هستند در غلبه حال گاهی از آنها اعمال صادر میشود که در ظاهر آن
شرع نخبیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات و در ادا نعیات و کلمات شطحیه
حق تعالی این اعمال را نظر بر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی روم میفرماید **مثنوی**
هر چه گیرد علتی علت شود ٭ کفر گیرد کاملی ملت شود ٭ کار پاکان را قیاس از خود مگیر ٭ گرچه ماند
در نوشتن شیر و شیر ٭ او ولی گشت و ولی شد کار او ٭ لطف گشت و نور شد هر نار او ٭ و آنچه در حدیث آمده در
آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود معنیش آن باشد که عوض صغائر
ذنوب حسنات داده شود و اگر احیانا با بزرگ تقدیر از آن کس کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و
بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بر ذمه کسی باشد هرگز بخشیده نشود بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم

داده

دهانیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون و حقوق مردم بروی باقی ماند سیآت وایشان

و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری

و دین کسی بر تو باشد در آخرة درم و دینار نباشد عوض دیون حسنات داده شود یا سیآت بروی نهاده

شود و فرموده اگر در راه خدا کشته شود و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین

نکند و فرموده که نامه اعمال گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی

در بخشیدن حق شود باک ندارد سیوم ظلم عباد در ان قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست که نماز و روزه

و غیره حسنات دارد و یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است

پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ

انداخته شود لیکن حق تعالی اگر فضل فرماید خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی

دهاند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا

بگرفته

کند و اگر در نیت او ادا نباشد قصاص بحسنات و سیآت کند و معتمد اگر دین برای اسراف کرده باشد

البته ماخوذ شود و اگر بنا بر ضرورة یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین مرده فقیر

مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده تفضل کند مظلومان را با نعامات

خوشحال کند تا که او را ببخشند و او را با خود به بهشت برند **فصل** بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب به بهشت

داخل کند و ایشان را از حساب معاف دارد در صحیحین از ابن عباس مرویست که رسول فرمود صلی الله

علیه وسلم عرض کرده شد بر من امتهای انبیا پس بعضی پیغمبران یکی مرد بوده است و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی

نیست و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که

این امت تست با اینها هفتاد هزار کسی باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

آنها کسانی اند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه رضی الله عنه گفت من هم

از انجمله باشم فرمود یکی مرد دیگر گفت من هم باشم فرمود عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از

ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و

با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حثیات از حثیات پروردگار و حثی چیزی را گویند که در دو کف

دست شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب

داخل بهشت شوند رویهای شان مانند ماه شب چهاردهم باشد پس زیادت طلب کردم از خدا پس زیاده

کرد حق تعالی با هر کس ازان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی آمده که شهداء فی سبیل الله داخل

بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند

بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله داخل

شوند بغیر حساب اهل فضل کسانی اند که کسی بر ایشان ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان بدی کند ایشان

ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند که بر طاعت خدا و از معصیت

صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا باهم دوستی کنند و بی علاقهٔ دنیا باهم ملاقات نمایند و در احادیث
آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که
فرمان بردار زوج باشد و مطیع و [illegible] نیکی کننده با والدین و کسی که از فقر جامه مکرر ندارد و در طعام دو قسم
نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسی که بدنیا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل
بهشت شوند و اصبهانی از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون میزانها قایم شوند اهل نماز
و اهل روزه و اهل حج را ثواب داده شود بمیزانها و اهل بلا آورده شوند و نه میزان برای ایشان نهاده شود و نه
دفتر اعمال برای آنها کشاده شود و ریخته شود بر آنها ثواب بغیر حساب تا آنکه اهل عافیه تمنی کنند آنکه بدنهای
شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب یعنی جز این نیست
که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پس چون کافران را بدوزخ و مومنان را بحکم حق تعالی
بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و
بعضی را مثل درخت خرما و کمترین نور کسی را باشد که نور او در سر انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی
پوشیده و کافران و منافقان را نور نباشد قال الله تعالی و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور و در بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که نظر
کنید بما تا ما هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورا یعنی باز گردید پس پشت خود جائیکه
حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در دنیا رو بدانجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید

کمترین نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری قلعه پیش آید در آن دیوار دری باشد مومنان از آن در
گذرند و منافقان بیرون در باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما نفس خود
را در فتنه یعنی کفر و معصیت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمودید ظاهر است در آیات و
احادیث که دلالت دارد بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آن کسانی اند که در باطن کفر
دارند و بنا بر تقیه و الشهزاد کلام شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور نور ایمان است و ایمان
به قلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود مراد از اصحاب توحید از قوم
های مبتدعه باشد روافض و خوارج و معتزله و مانند ایشان که نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود
فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد
روز قیامت و فرموده هر که سوره کهف خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده
مردی صالح اگر در دنیا کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر اندازد در راه خدا او را
نور باشد روز قیامت و فرموده ذکر کننده خدا بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که سختی
از مسلمانی دور کند او را مشعلها باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه نکند آنها را
مگر رب العزت و فرموده پرهیز کنید از ظلم که بدرستی ظلم تاریکیها باشد روز قیامت فصل و چون حشر
را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد که آنرا صراط گویند باریکتر

از مو و تیزتر از شمشیر و بران پل کلوبها و خارها باشند کافران و منافقان در دوزخ افتند و بر صراط
عبور نتوانند کرد و مومنان از ان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل
اسپ تیزرو و بعضی مثل شتر تیزرو و بعضی پیاده جلد رو و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخراش
و دهشت مجروح شده رنج کشیده نجات یابد و بعضی بسبب گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده
که هر که واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد
فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله
علیه وسلم آموزد بتعجیل زدن بر صراط دیر نکند و از وهب بن منبه مرویست که داود علیه السلام از
حق تعالی پرسید که جلد رونده تر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند و زبان ایشان بذکر تر باشد
و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هلال روایت کرد که صراط روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر
از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید و ان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیا
ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست
این امر بر پروردگار تو لازم حکم کرده شده پس نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را در ان مراد از
ورود جهنم همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند
ای پروردگار وعده کرده بودی بورود دوزخ ما دوزخ را ندیدیم حکم شود چون شما از دوزخ
گذشتند دوزخ سرد شده و طبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان را گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرده
در حدیث آمده که هر که را سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند وارد دوزخ نشود
مگر ره گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر بجهت قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون
مومنان از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص
گرفته شود بعضی را از بعضی در مظالم چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم بکسی
که جان محمد در دست اوست که هر یک از ایشان خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود
در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد
بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنارهای صراط برای قصاص با هم ایستاده کرده شوند و ظاهر
آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از صراط شده آن قصاص برای دخول
دوزخ باشد و این قصاص محبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شود

فصل

و جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در علوی که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن علو را اعراف
گویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب
اعراف گناهکارانند که محبوس باشند بحکم خدا بر دیوار اعراف بر آمده در خیابان

بیاه

بسیاه روئی و بشیان را بسفید روئی بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت طمع
کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل
بهشت سازد قوله تعالی اهؤلاء الذین اقسمتم لا ینالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف
علیکم ولا انتم تحزنون و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف کیستند گفت ایشان مردان باشند که در
راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب
معصیة پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت و چربی شان خشک شود آنزمان حق تعالی
برحمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد چنان است که این شهادت هر چند
گناهان آمرزیده شوند که السیف محاء الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود
و ابن مسعود رضی الله عنه گفته که هر کسی را که حسنات او از سیئات بیک حسنه بیفزاید داخل
بهشت شود و هر که سیئات او بر حسنات بیک سیئه افزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات
و سیئات او برابر باشد آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مؤمنان مؤمنان
را به بهشت رسانند و نور منافقان منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود.
ایشان طمع دخول جنة دارند و آخر کار داخل جنة شوند عوض که اعراف را منزلة بین
المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل اهوا گفته اند چرا که در اعراف خلود نیست

فصل شفاعة اکرم الرسل صلی الله علیه وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا

فصل

وعلما و صلحا و طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز
و روزه و صدقه و مانند آن حق ثبت هر کرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن کند
شفاعت کنند و شفاعت شان مقبول شود بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله
علیه و سلم سوره ملک را گفته هی المانعة هی المنجیة من عذاب الله و بعضی را در عرصات
رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهائی
یابند و بعضی را در بهشت بشفاعت درجات عالیه میسر شوند رسول فرموده صلی الله علیه
وسلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من و بروایتی دو ثلث امت
من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود شفاعت
اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد و در باب احادیث بسیار اند و فرموده صلی الله
علیه وسلم که شفاعت من باشد برای کسانیکه گناه کبیره کرده باشند و فرموده آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرموده بدان بشفاعت
من در بهشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرموده که شفاعت کرده باشم کرده باشم
تا آنکه گویم که ای پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی
فرماید قسم بعزت من و جلال من که هیچ کسی را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته
باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان شنیده گوید اللهم رب هذه الدعوة التامة

تا آخر او را شفاعت من باشد و فرموده که هر که ثابت باشد بر سختی مدینه و رنجها باشد برای او شاهد
و شفیع باشم و فرموده هر که در مدینه یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت من آید واجب
باشد بر من شفاعت او و دیگر در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد برای او شفاعت من و فرموده
بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هر که چنان کند او را من شاهد باشم و شفیع و فرموده
هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد و فرموده بهترین کسان
روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد و فرموده که هر که بعد نماز این دعا خواند اللهم
اعط محمد الوسیلة واجعله فی المصطفین محبته و فی العالین درجته و فی المقربین داره واجب گردد
او را شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم و فرمود که دو صنف باشند که ایشان را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی
مرجیه دویم قدریه مرجیه آن باشند که تعبیر کنند بمغفرة و بگویند که مسلمانان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر
را هیچ حسنه فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بغیر توبه مخلد فی النار باشد و فرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دویم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و برآید بدعت اهل اهوا
مثل روافض و خوارج و مانند آنها و فرموده که جدال مکنید با جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا و رسول خدا بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرموده اول شفاعت کننده و شفاعت
قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد بیشتر شفاعت صدیقان بیشتر شفاعت شهدا و بروا
اول شفاعت انبیا بیشتر شفاعت علما بیشتر شفاعت شهدا بیشتر شفاعت موذنان و فرمود عالم و عابد

حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی از ابن عمر
مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند و فرمود رسول صلی الله
علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود و فرموده که حاجی شفاعت کند در چهار صد کس
از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یک مرد و مردی برای دو کس و سه کس و مردی
و مردی باشد که بشفاعت او بیایند از بنی تمیم و مثل ربیعه و مضر داخل بهشت شوند و فرموده که مردی از اهل
جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا می‌شناسی گوید نی گوید که من
آنکسی هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال کند او
از آتش برآید و مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را گوید
یاد داری که تو مرا بکاری فرستادی مشغول رفتم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرموده صلی الله علیه وسلم
در تفسیر قوله تعالی فیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضله مراد از یزیدهم من فضله شفاعت است برای
جمعی از دوزخیان کسی نیکی با ایشان در دنیا نیکی کرده بوده و فرمود که حافظ قرآن را که حلال را
حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند در ده کس که آتش برایشان
واجب باشد و فرموده اطفال مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت ایشان قبول شود و در
حدیث آمده هر کرا سه بچه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند ایشان را گفته شود که
در بهشت روید گویند چگونه رویم بی پدر و مادر ما داخل شده اند در مرتبه دوم یا سیوم گفته شود

بروید شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن

و شهوت باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم

و حجر الاسود در روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بروی

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم لعنت کنندگان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید

که چون روز شفاعت رسول صلی الله علیه وسلم امت او را از آتش بیرون شود شفاعت دیگران چه

حاجت باشد گفته شود که شفاعت دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است

که ایشان بواسطه متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت یافتند حق تعالی برای شرف اظهار ایشان

را مرتبه شفاعت داده در صحیح بخاری در حدیث طویل از ابی سعید خدری مرویست که رسول

صلی الله علیه وسلم فرمود چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در خطاب آیند

برای برادران خود که در دوزخ باشند و در شفاعت مبالغه بر آرند و گویند ای پروردگار

ایشان با ما نماز و روزه و حج میکردند حکم شود که بر آرید هر که را ایشان شناسند حق تعالی آتش بر صورتهای

ایشان حرام کند صورت تبارک شناخته باشند پس بر آرند خلقی کثیر را و گویند یارب حالا نماند

از ایشان کسی که امر کردی تو حکم شود که باز بروید و هر که در دل او بقدر دینار ایمان

باشد وی را بر آرید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که بروید و بر آرید کسی را که

در دل او مثقال ذره ایمان باشد پس بر آرند خلقی کثیر را و گویند یارب حالا نگذاشتیم

در دوزخ هیچ خیری پس حق تعالی فرماید که فرشتگان شفاعت کردند و انبیا شفاعت کردند و مسلمانان شفاعت
کردند و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فیقبض قبضة من النار یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد پس برآرد
قومی را که گاهی هیچ عملی نیک نکرده باشد مثل انگشت سوخته باشد پس بیندازد حق تعالی ایشان را در نهری
بر روی بهشت نام آن نهر حیات گویند پس برآیند چنانچه دانه می روید در سیل پس برآیند مثل دانه مروارید
در گردن ایشان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدااند و باقی ماند یکمرد میان
دوزخ و بهشت روی او سوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی مرا از دوزخ بگردان حق تعالی
فرماید که چیزی دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او سوی بهشت کند و تا زمانی چند
ببیند مدتی خاموش ماند باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی
که دیگر سوال نکنم باز او عهد کند که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برد مدتی ای خاموشی
باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الهی
مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به بهشت برد و فرماید
که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزو او را حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد
و ده چندان زیاده از آن فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت را حق تعالی صد حصه کرده
یک حصه در جمیع خلق تقسیم کرده و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را
خواهد کرد و فرمود قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد کرد که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحم او

فصل

تعالی قاریان قرآن و علما را باشند حق تعالی میفرماید ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا
فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذالک هو الفضل الکبیر جنات
عدن یدخلونها الآیه یعنی بعد انبیا سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان
خود پس بعضی از ایشان ظالم باشند بر نفس خود بگناهان و بعضی از ایشان میانه رو باشند و بعضی از ایشان
سبقت کننده باشند به نیکیها باذن خدای تعالی همین فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که
نهرها در ان جاری باشند رسول صلی الله علیه وسلم سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و
میانه روان را حساب یسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند پس تدارک رحمت خدا ایشان را تلافی
کند بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و میفرماید که حق تعالی علما را
فرماید که من علم خود در شما نهادم الا بجهت آنکه اراده مغفرت میداشتم برای شما بر هر چه از شما آید
و باک ندارم   بهترین مسلمانان نزد خدا سه گروهی اند شهیدا که جان خود را در راه خدا بذل کردند
دوم علما که عقل و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سیوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند
لیکن اخلاص شرط است که نیت خالص لله باشد و اگر نه اول به دوزخ روند چنانچه از ابوهریره روایت کرده که
رسول صلی الله علیه وسلم گفت اول کسی که حکم کنند بر وی شهید باشد حق تعالی گوید چندین نعمت بتو دادم
تو چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع
گویند پس گفته شد حکم شود که او را بکشند به دوزخ اندازند دوم عالم حق تعالی نعمتها یاد دهد بر سید

گفتم عمل کردم بحق که برابر تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که
دروغ گفتی علم تعلیم و تعلم کردی تا که مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد پس حکم شود بروی از آتش
فرو کشید سیوم مردی که حق تعالی او را مال داده بود و هر صنف مال بمردم بخشید چون نعمتهای خدا یاد دهد او
برابر که چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی
بخشیدی مردم را تا که ترا جوانمرد گویند و گفته شد پس حکم شود بروی از آتش فرو کشید پس در هر عمل نیت
خالص لله شرط قبول است رسول خدا صلی الله علیه و سلم انما الاعمال بالنیات عمل معتبر نیست مگر به
نیت **فصل** الایمان بین الخوف و الرجا ابو نعیم از عطا رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله
علیه و سلم که یکی را از انبیاء بنی اسرائیل را وحی کرد که طاعت کنندگان را بگو که بر عمل خود تکیه نکنند
اگر بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم و بنده او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی تیز توان برآمد
و بگو گناهکاران خود را که از رحمت خدا نا امید نشوند که هیچ گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی
از روایة بن الشفیع روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت مومن باشد که هیچ گناه
نکرده حق تعالی او را گوید چه میخواهی اگر خواهی بسبب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی
تو دانا تری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از
نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد آنگاه آن بنده گوید الهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و برا از
انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات

دویم دفتر سیئات سیوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمتی همه نیکیها را در کبرد و گناهان باقی
مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای او بیحد و حسنات را مضاعف کند

باب سیوم در صفت جهنم و عذاب کفار

نعوذ بالله منها طبرانی از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله
علیه و سلم آمده متغیر اللون آنحضرت پرسید که چه حال است گفت بیامده ام نزد تو که بود الله تعالی حکم فرموده
حق تعالی بکلیدی جهنم یعنی جهنم را دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر
کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که سفید شد بعد هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد بعد هزار سال
دیگر افروختند تا که سیاه شد پس آن سیاه و تاریک است روشنی نیست شرر آن و کم نبود شعلهٔ
آن قسم بکسی که ترا فرستاده است بحق که اگر سوراخ سوزنی از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی
آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند ظاهر شود یکی از ایشان سوی دنیا اهل زمین او را ببینند
همه بمیرند از زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور است نهاده شود
بر کوههای دنیا هر آئینه فرو رود تا زمین هفتم پس آنحضرت حق تعالی دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از حرکت
آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای ایشان قرار گرفت در صحیحین است که آنحضرت فرموده
که هر چند خلق در دوزخ انداخته شود دوزخ هل من مزید گوید تا که رب العزة در آن قدم نهد آن
زمان بعضی از آن فرو رود بعضی بعضی و گوید بس بس دوزخ در زمین هفتم است یعنی زیر زمین و
بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه روایت که چون قیامت قائم شود فلق که جوش آتش است

از سقر دور شود و از آن آتش برآید و در باکه بر جهنم مطبق هستند حاجز است میان جهنم و هفت
طبق زمین در جهنم زدن اهر وحشم کنند همچنان است بحر مسجور   جهنم را هفت درکهست و هفت در است
یکی بالای دیگری و بر آن هر در جاهات است قسمت کرده که اول آن جهنم است در آن عذاب کمتر است
بر آن گناهکاران امت پست تر از آن لظی از آن پست سعیر از آن پست حطم زیر آن سقر زیر آن
جحیم پست تر هاویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان را باید که همیشه از دوزخ
بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند دوزخ با هم بخورد
گفته شود چه حال است دوزخ گوید که این فرد بتو پناه جسته است حکم شود که این را بگذارند جمیع روایت
کرده که رسول صلی الله علیه و سلم گفت تا که تبارک و هم سجده نمی خواند و فرموده که جهنم هفت اند و درهای
جهنم هم هفت اند هم سجده از آن روز قیامت بر در از درهای جهنم باشد و بگوید که الهی داخل نشود از این
در کسی که با من ایمان داشته و مرا میخواند **فصل** موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس ایشان است
هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق کرده اند و بر روز قوت ایشان زیادت میشود هر یک از آن الفدر جهت
که در میان دو کتف او صد ساله راه است و دل های ایشان رحمت مخلوق نشده با هر یک از آن گرز است
و مالک را انگشتان بشمار عدد اهل دوزخ است کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت
خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سردارانند و موکلان جهنم بیشمار اند و هویل وادی است
در جهنم که کافر در آن تا چهل سال فرو میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در روایتی

نشانه

که در دریای ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال حسیمی با علی آن
رسد و باز از انجا فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بر دو دست
راند کباب شود و چون دست بر دارد باز درست شود و همچنان پای و فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی
بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود تا هفتاد سال پایین او نرسد و در نهایت آن چاهیست دوزخ
وآن برود نهر اند از ریم دوزخیان و موقی دارد عمیق است و در قیام خاص اصل باشد و زمان
مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت کرده بسوی پروردگار خود و گفت
که از شدت حر بعض اجزاء من بعض را خورده حکم شده او را بدو دم دمی بسیر دو یکی از سرما
در دنیا سرما میشود و دمی دیگر که از گرما است در دنیا گرما میشود فصل کافران را بار جبه از آتش
باشد و نیز بر ایشان مسی که گداخته شده شدید الحرارة وقتی که [illegible] میکوید اهل دوزخ را جوع
باشد و بر گرسنگی برابر ایشان بهتر است از [illegible] حیوة باشد و موت برای ایشان بهتر باشد از حیوة
و برای دوزخیان [illegible] باشد و طعام ایشان از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر
باشد و هر یکی از ان [illegible] هر [illegible] مقدار [illegible] اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود یک حلقه
زنجیر دوزخیان نرسد آن زنجیر را از دبر ایشان داخل کرده و از دهن بر آورده بر روی کشیده شود حمیم
بالا بر کافر ریخته شود پس [illegible] و فرو برد آنچه در شکم باشد و [illegible] باز همچنان درست کنند
و باز حمیم ریخته شود طعام دوزخیان زقوم باشد اگر قطره از ان در دریاها [illegible] زندگانی اهل دنیا

فالد کنند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی ازو خورند بیرون کردانند رحمت از آدمیان
قصور کند نیده گیرد و دیگر طعام دوزخی ضریع باشد رسول محمد صلی الله علیه وسلم ضریع چیست در
دوزخ مثل بخار تلخ تر از صبر و بدبوتر از جیفه و گرم تر از آتش و فقیکه نخورد صاحب او نه فربه شود
نه سود دهد هیچ از آنکه گلو گیر باشد نه فربه کنند و نه گرسنگی دور کند و دیگر طعام دوزخیان غسلین باشد
یعنی ریم دوزخیان و شراب ایشان حمیم باشد یعنی آب در غایت گرم و غساق یعنی آب گنده و زرد در غایت
سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از کوید مردی است
که غسلین چشمه است در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهردار باشند از آن را در آن جمع
دلو شود گوشت و پوست از استخوان جدا کرده بر پار افتد و از اشکل بکشند از
ابی الدرداء روایت کرده که رسول محمد صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدیکه
برابر شود عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام دهند گلو گیر که در گلو بسته شود پس یاد کنند
که در دنیا از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس حمیم بگلو با کلالیب
آهنی نزد روی ایشان کرده شود از گرمی آب روی ایشان بریان شود چون در شکم داخل شود
از آنچه در شکم ایشان است قطع کند آنگاه خازنان دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که بگردد
از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان شما نیامده بودند گویند که آمده بودند خازنان
گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی نا قبول پس ندا مالک را گویند ای مالک

دعا کنید که حق تعالی مار[ا] عذاب سبک کند بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشید انگاه از حق تعالی

دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برآر اگر باز کفر کنیم ظالم باشیم

حق تعالی جواب دهد اخسئوا فیها ولا تکلمون یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگویید انگاه در زفیر و شهیق آیند

حشر

در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده که اهل دوزخ را پنج بار دعا باشد اول

گویند ای پروردگار ما مرده کردی ما را دو بار و زنده کردی دو بار اقرار کردیم بگناهان خود آیا ما را راهی

بیرون آمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از آنست که چون بردم توحید میکردند شما اعتقاد

نکردید و چون شرک میکردند ایمان میآوردید پس حکم مر خدا راست دیگر بار فریاد کنند ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم ما را

باز بدنیا فرست تا عمل کنیم نیکو جواب باشد بچشید این عذاب را شما فراموش کرده بودید دیدن این روز را

ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز گویند ای پروردگار فرصت ده ما را

تا زمانی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را جواب دهد خدا آیا نبودید

شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برآر تا عمل نیک کنیم غیر

آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمر پند میپذیرفتند

و آمده بود شما را رسولان ترسانندگان از عذاب خدا پس بچشید عذاب را ظالمان را هیچ مددگار نیست

باز گویند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برآر

پس اگر باز کفر کنیم ظالم باشیم انگاه جواب دهد اخسئوا فیها ولا تکلمون تا آخر

سخن بگویند رسول خدا صلی الله علیه وسلم که در دوزخ مارها باشند مانند گردن شتر بختیه و کژدمها

باشند در بزرگی مثل استر پالان کرده یکبار نیش زنند تلخی او تا چهل سال باقی ماند در روایت احمد

که بینی کافر مثل درخت طویل از جهار باشد مسلم از ابو هریره روایت کرده که رسول خدا صلی الله

علیه وسلم که میان دو کتف کافر سه روز راه فراخ گفته که دندان او مثل کوه احد باشد و در روایت

سه مرحله راه و در روایتی آمده که نشستگاه او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین

تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش

درست شود باز همچنان کند ابو معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر

سوخته شود و باز درست گردد عمر رضی الله گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده ام

و در روایتی در ساعتی صد بیست بار تبدیل جلد شود و در روایتی شش هزار بار بعد ازین

بعضی روایت که در روزی هفتاد هزار بار و جمع روایات متعدده اشخاص کفار

میتوان کرد و نیز چنین در ساعتی شش هزار بار باشد و در روز که دوازده ساعت باشد

هفتاد و دو هزار شود بالتطابق اگر جمع این دو روایت شود و از حذیفه مروی است

که در جهنم درندگان و سگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را

بدان کلالیب قطع کنند و ازان شمشیرها عضو عضو کرده پیش سباع و سگان

باندازند هر بار که عضو را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده

کند آتش و روی کفار و ماران چنان کند که لب بالا کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پائین فرو هشته تا ناف رسد
ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر قوله تعالی فلیضحکوا قلیلا ولیبکوا کثیرا میفرماید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر
خواهند بخندند چون دنیا منقطع شود گریه ایشان منقطع نگردد و در سؤال حضرت صلی الله علیه وسلم که دوزخیان
گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود آنزمان خون بگریند و در رویهای ایشان خندقها شود که اگر
کشتیها در آن بگذارند جاری شوند و فرموده که دوزخیان مدتی از چشم ها بسیار بیشتر خون باریده
گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان شما در دنیا گریه نکردید حالا کی فریادرسی دارید آنزمان
از اهل جنت که خویشان باشند ندا کنند ای جماعت پدران و مادران و فرزندان برادران ما از قبور
برخاستیم تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم و الحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما داده است
بعد چهل سال از ایشان جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان
را در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آواز بلند و آواز ضعیف مثل آواز خر از اهل
دوزخ کمتر در عذاب کسی باشد که او را نعلین از آتش باشد که از آن دماغ او جوش کند
و شبیه میجوشاند داند که کسی از من در عذاب سخت تر نیست حالانکه او کمتر همه در عذاب است
عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که ابو طالب خدمت تو میکرد او را چه نفع
کردی فرمود او در ضحضاح آتش است اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح
آب قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد یا کمتر از آن و در حدیث آمده که ابو طالب را نعلین آتش است

از آتشی که از ان دماغ او میجوشد **باب چهارم** در عذاب گناهکاران از مسلمانان رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم دوزخیان در آتشی نه زنده باشند یعنی بغیر بکی راحت و نه مرده باشند و بعضی کسان را آتش
رسد پس بمیرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت انبیا پس انها را برآورده بر نهرهای بهشت
انداخته شوند و اهل بهشت را حکم شود که بر انها آب بریزند پس انها مثل سبزه بر رویند و در حدیث
آمده که کمترین دوزخیان باشند که کسی حمام بجوشد یعنی در حق بعضی کسان در حدیث که بعضی
دوزخیان را آتش تا انگشتان بگیرد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را
تا سر و در حدیث است یاران را که من شما را اکثر اهل دوزخ دیدم زنان گفتند چرا فرمود شما لعنت بسیار میکنید
و کفران نعمت شوهران میکنند و شنیده در حق زنان فرموده که انها بر خطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند
و فرموده که مردی را در دوزخ انداخته شود پس برون آید امعای او پس او در آتش گردش کند
چنانچه خر گرد آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حال است ترا تو ما را امر معروف
و نهی از منکر میکردی گوید که من شما را امر بمعروف میکردم و خود آنکار نمیکردم و نهی از منکر میکردم
و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کند و طلب
علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی گیرند در عذاب
قاریان پیش از عذاب بت پرستان انها گویند که شما در عذاب ما جلدی میگیرند پیش از بت
پرستان انها گویند که عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره

یادست بند

بادست بعد از زر پوشیده آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما گویند بعث

داد رخص زنان منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکوة و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره

آب خورده آتش دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که کسی بیان جبه از حریر بکند

او را طوق از آتش باشد و در صحیح است که فرموده هر که خواب دروغ ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف

داده شود که در دو جو گره دهد و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و ایشان ناخشنود باشند او را

در گوش او سرب گداخته ریخته شود روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که در آن

روح داخل کند و هر که علم را پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دو زبان باشد در دنیا یعنی

روبروی شخص بوضعی دیگر گوید و غائبانه بوضع دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هر که را

در وضو پاشنه خشک ماند هلاکت باشد پاشنه او را روز قیامت و فرموده آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در

وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش در میان آن نیاید و در صحیح است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته مرده همیشه در دوزخ در همچنین عذاب باشد و هر که زهر

خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که با آهن خود را کشته همیشه آهن با او در دست

او باشد که در شکم می زده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را بدی خواهد در آتش گدازد چنانچه قلعی گداخته

میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت مردگی چنانچه خورده ای گوشت

او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد و در حدیث آمده که چهار کس باشند که

در جحیم جهنم مکرر شوند و دیگی گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایذا کرده
زیاده از ایذای نفس خود و او را گویند ای ابعد تو ما را ایذا کردی زیرا که برانچه ما را بود یکی آنکه مال
مردم بر گردن او باشد و ادا ناشود و او معلق باشد در تابوت از آتش و دوم آنکه از رسیدن نور بها جسم
و بیش پرهیز نکند او امعای خود را آتش کشد سیوم آنکه از سخن بد در مردم گذشت کرد و از دهان او ریم
جاری باشد چهارم آنکه غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از منصور بن زاذان مروی است که
گفته عالم که از علم خود منتفع نشد دوزخیان از عفونت وی متأذی شوند از بوی بد او و رسول فرموده
علیه وسلم که در جهان زنان ایشان ایذا رسند اهل دوزخ را از بد بوئی وی و در صحیح است که رسول فرموده
صلی الله علیه وسلم که بدرستی حق تعالی بر خود لازم گرفته است آنکه هر که مسکر خورد او را نوشاند
طینة خبال زرد آب افسرده دوزخیان و در حدیث آمده که هر که خمر نوشد خدای او را حمیم جهنم
نوشاند و فرموده رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه حرم گاه و خوابگاه منست و واجب است بر امت من
گرامی کردن اهل مدینه را تا که همسایه من اند از کبایر و گناه کسی که چنین نکند او را حق تعالی طینة خبال نوشاند
و فرموده هر که در حق مسلمانان گوید آنچه در وی نباشد خدای تعالی او را ساکن در ردغة خبال کند تا که
بر آید از آن قول و بیرون نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را در صف کنند
و یسار دوزخیان ایستاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و
فرموده که باده های ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیح آمده که آنحضرت صلی الله

علیه وسلم فرموده که سخت‌تر عذاب مصوران را باشد و در حدیثی آمده که سخت‌تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد پس‌تر کسی را که اصحاب را دشنام دهد پس‌تر کسی را که دیگر مسلمانان را
دشنام دهد و فرموده که سخت‌تر عذاب کسی را باشد که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و پادشاه ظالم را
و مصوران را و فرموده که سخت‌تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت‌تر میکند
و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت حکم کند چون نزدیک بهشت رسند خوبی بهشت
ببینند حکم کنند که ایشان را از بهشت باز گردانیده بدوزخ اندازند پس ایشان بحسرتی باز گردند که دیگر دور جهان
را آن حسرة نباشد بگویند ای پروردگار ما اگر ما را از اول داخل دوزخ میکردی بهتر می‌بود حق تعالی فرماید
که همین خواستم که شما را حسرة دهم شما در خلوة گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم بخلاف آن میکردید و از
مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را تعظیم میکردید و مرا تعظیم نکردید فعل بد برای مردم ترک
میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز میچشانم شما را عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب و فرموده
که برای استهزا کنندگان با مردم دری از بهشت کشاده شود و گفته شود یکی را از ایشان را
خروج کند و در دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را بند کرده شود همیشه همچنین شده
باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از نا امیدی نیاید و در حق چند کس در احادیث
وارد شده فلیتبوا مقعده من النار یعنی باید که خانه خود در دوزخ سازد کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم
دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادة دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده

مال برادر مسلمان خورد و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او ایستاده باشند و در احادیث وارد
شده که گناهکاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند رویهای ایشان سیاه شود و قید
آهنی در پای و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران امت محمد صلی الله علیه وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند
رویهای ایشان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن انها را دیده مالک گوید که از شما خوب روتر کسی ندیده
شده است شما کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن هستیم و از امیر المؤمنین علی و ابو هریره رضی الله عنهم
مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبائر از موحدان که بدون توبه مرده باشند هرگز
از ایشان در دوزخ کور چشم نشوند و ازرق نشوند و رویهای ایشان سیاه نباشد و با شیاطین در
یک زنجیر بسته کرده نشوند و طوق در گردن و زنجیر در پا کرده نشوند و حمیم نخورانیده نشوند و قطران پوشانیده نشوند
و خلود در آتش ایشان را نباشد و صورتهای ایشان بر آتش حرام کرده بسبب سجود و بعضی ایشان را آتش تا
تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا زانو و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن بقدر گناهان ایشان
بعضی از ایشان یک ساعت و بعضی یک روز بعضی بقدر یک روز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال در دوزخ
باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و دراز ترین مدت ماندن ایشان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد

فصل چون خواهد که حق تعالی ایشان را از دوزخ بر آرد یهود و نصاری و بت پرستان و جمیع اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابر هستیم ایمان شما چه فایده کرد حق تعالی در غضب آید
مومنان را از دوزخ بر آرد و بسوی چشمه که در میان صراط و بهشت است بافکنند پس ایشان مانند

سبزه برویند پس بدر داخل بهشت شوند و بر پیشانی ایشان نوشته باشد جهنمیون عتقاء الله

پس حق آن نوشته محو شود پس حق تعالی فرشتگان را امر کند تا درهای دوزخ بر کسی که باقی

مانده بود کفار بند کنند و لیکن آتشی بر ایشان زنند و احمد از ابو هریره آورده که آنحضرت فرموده

صلی الله علیه وسلم که شفاعت کنند الله تعالی بروز قیامت بر کسی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس بر آرد جماعه

را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند بسبب محض رحمت بی شفاعت کنندگان و بزار

از ابن عمر روایت کرده که بعضی بر آتش وقتی آید که بادها درهای آنرا در حرکت در آرد که

دران نباشد شیخ محی الدین عربی از این حدیث معروف میگوید که بعد مدتهای مدید در دوزخ کفار

همچنان باشند مراد از خلود آنها مکث طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع

است و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقه علیا است از دوزخ

خالی شود و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول خدا

صلی الله علیه وسلم که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پس تعیر کنند

آنها را کفار که شما را تصدیق شما هیچ نفع نکرد پس حق تعالی فرمود که بر آرند هر کرا که باشد

مسلمان آنوقت کافران آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودی پس آنحضرت این آیه خواند ربما یود

الذین کفروا لو کانوا مسلمین حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه

وسلم که هر که لا اله الا الله گوید و بر عین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود اگر چه بعد عقوبت -

که اگرچه زنا کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابوذر همان

گفته باز آنحضرت همان فرمود و در مرتبه سیوم گفته علی رغم انف ابی ذر و فرموده که هرکه بمیرد

در حالی که شرک نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث

در باب بسیار است زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هرکه شهادت دهد بتوحید و برسالت

محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بر وی حرام کند مراد آنست که آتش موبد و خلود در دوزخ

بر وی حرام است بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبان از

ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرمود که هرکه لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزی از روزها

از آن آنچه او را رسد رسد و ترمذی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه

وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برآرید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جایی از من ترسیده

باشد **فصل** در صحیحین از ابن عمر روایت است چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و هم دوزخیان

بعضی گنهکاران در دوزخ مانند آنگاه منادی بانگ زننده در میان ایشان و آواز کند ای اهل دوزخ

موت نیست و ای اهل بهشت موت نیست هرکس در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین

از ابن عمر و ابی سعید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند

و دوزخیان در دوزخ مانند موت بصورت کبشی سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده

شود و گفته شود ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ خلود میشناسید هریک گردن دراز

حرا

موت

آرد

کنند و ببینند و گویند که این موت است پس او را ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت
خلود است و ای اهل دوزخ خلود است موت نباشد رسول فرموده صلی الله علیه و سلم که اگر
اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزه دنیا هر آینه خوش شوند و اگر
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزه دنیا هر آینه غمگین شوند لیکن
برایشان خلود است ابو[illegible] از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد
باشد ایشان را در صندوقهای آهنی کرده و بر آن میخهای آهنی زده و آن صندوقها را
در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایانتر دوزخ پس هر یک از ایشان داند که غیر
او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای
آهنی کرده در درک اسفل دوزخ در تنورها تنگتر از میخ که کوفته شود [illegible]
که شود آنرا جب الحزن گویند **باب پنجم از خمسه جنة** و در دخول بهشت و تنعمات
بهشت دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عائشه صدیقه مرویست
که رسول فرموده صلی الله علیه و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوئید بخدا و خوش باشید بدرستی که
داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد
حق تعالی مرا بمغفرت و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل
بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر برحمت

از ظاهر بعضی احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل است بقوله تعالی ادخلوا الجنة بما کنتم
تعملون یعنی داخل بهشت شوید بسبب اعمال خود و جواب این سخن آنکه اصل دخول جنت و خلود
در آن بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی است و اعمال متناهی است و تفاوت درجات جنت
بسبب اعمال است چنانکه ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم از صراط بعفو خدا و
داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال خود و بعضی گویند
که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزا اعمال محقره متناهی را
دخول جنت و ثواب غیر متناهی فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جزا اعمال است گنجایش
دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد و طبرانی و بیهقی از سلمان فارسی
از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیزی از حضور عنایت شود با این عبارت
بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من الله العزیز الحکیم لفلان ادخلوه جنة عالیة قطوفها دانیة
یعنی این خط از الله عزیز حکیم است برای فلان که او را داخل کنید بهشت عالی که ثمره آن نزدیک است
و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و از
مردم فرشتهها بیایند و گویند سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار و بهشتیان گویند الحمد لله الذی
صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء و دیگر گویند الحمد لله الذی هدانا لهذا
وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و گویند الحمد لله الذی اذهب

عنا الحزن

عن الحزن إن ربنا لغفور شکور و چون مردم داخل بهشت شوند اول طعام ایشان زیاده جگر
ماهی باشد **فصل** در جنة وعده کرده حق تعالی در قرآن مجید باید ولمن خاف مقام ربه جنتان و
باز فرمود ومن دونهما جنتان یعنی هر که خوف کند و بترسد از ایستادن پیش پروردگار خود برای او
دو بهشت است و پایین‌تر از ایشان دو بهشت دیگر اند در صحیحین و جز آن از ابی موسی اشعری
مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و آنچه در آنست
و دو از زر است عمارتها و آنچه در آنست اندر بهشت و نباشد در میان قوم و رویت خدا مگر ردای کبریا در
جنت عدن و دو بهشت زر برای سابقان است و دو بهشت نقره برای اصحاب یمین است و در روایتی برای اصحاب یمین و طلبه
گفته بعض علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنة عدن جنة المأوی جنة نعیم
فردوس و بعض گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود
و اینهمه نامها مر چهار بهشت راست و در هر بهشت درجات و منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست
که رسول محمد صلی الله علیه وسلم هر که ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه وسلم و نماز گزارد و روزه
رمضان گزارد حق است بر خدا که او را داخل بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض
ادا کند و جهاد فرض عین نیست گفتند یا رسول الله خبر نمیدهیم مردم را بدان فرمود که در بهشت
صد درجه است که مهیا کرده است حق تعالی آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر دو درجه آنقدر
تفاوت است که در میان زمین و آسمان است پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را

که بهترین جنها است تعالی از آن کرسی رحمن است و از انجا نهرهای بهشت میآید از این حدیث معلوم میشود که صد
درجه مجاهدین فی سبیل الله را هست برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از
معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه است میان
~~درجه~~ هر دو درجه مانند تفاوت آسمان و زمین است و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث
درجات مجاهدین باشد و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا انداخت حق تعالی درجه او بلند کند میان
هر دو درجه صد ساله راه باشد و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین است
درجه اول خانه‌ها و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجه ثانیه آن همه زر است و در درجه سوم همه آن
از یاقوت و مروارید و زبرجد است و نود و هفت درجه تقسیم نشده است اخرج مسلم از ابی هریره
روایه کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوشی آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و دور رفتن بمسجدها و انتظار نماز بعد نماز
است، حاکم و بیهقی از عائشه روایه کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قران است
پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قران بالاتر درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قران گیرد تمام درجات
را در گیرد و این حدیث بران حمل نباید کرد که درجات بهشت بیش نباشد و ششصد و شصت است بعدد آیات قران
بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قران را اکثر یاد کند بران او درجات بهشت بیفزاید اصحاب
سنن و ابن حبان از ابن عمر روایه کرده که آنحضرت فرمود صاحب قران را گفته شود که قران بخوان

تحتها

ارتقی

و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مرد در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من
و او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا است گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا بصبر بکند و در حدیثی بسبب فضیلت مذکور است که آنها که گرسنگی کشیدند و شما
سیر بودند و آنها تشنگی میبردند و شما سیراب میگشتند آنها شبها بیدار ... و شما خواب میکردند
و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند تا آنجا
رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم
و فرموده در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر سه کس پادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و
عیالوار صابر فصل حق تعالی میفرماید والذین آمنوا واتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم
وما التناهم من عملهم من شیء یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردند ایشانرا اولاد
آنها بایمان یعنی آنها هم مومن هستند لاحق میکنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نمیکنیم آنحضرت فرموده
صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریه مسلمان را بدرجه او رساند برابر سرور چشم او و در حدیثی آمده که چون مرد
داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجه تو نرسیده اند و چنان تو عمل
نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام پس امر شود بالحاق
آنها و فرموده هر که بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بروی ظلم کند و ببخشد کسی را که

او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده که بر بالا نبود پادشاه برادر را برای
جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هر که کهانت کند یا فال از پرنده گیرد و از سفر
باز ماند به درجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب حظ بردارد
در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و اگرنه در حدیث آمده الطاعم الشاکر
کالصائم الصابر ابن عمر گفته که شخص با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام بلند باشد بگوید ای
پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این جزای عمل او است از تو کرده طبرانی از
ابوهریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کردم و شما
نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم گفتم و شما ابا کردید نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان بن فلان
بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی مرتبه متقیان نظر
تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند غنی
و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و غنی بر فقیر
و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم صحبت بودیم و عمل صالح
صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است و
صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلقی را بسبب حسن خلق فضیلت
شده فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی

اگر مرا صحیح و درست بیافریدی همچنان عمل میکردم حق تعالی فرماید که دلالت کنید ایشان فقیر را برابر

غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بر خلق هیچ جواب نیاید **فصل**

چون بهشت را هشت دروازه است نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم و

دهندگان از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفت یا رسول الله هر دری

که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه هشت دروازه او را طلبیده شود فرمود که امیدوارم

که تو از آن مردم باشی محمد طیبی گفته از همه درها طلبیدن بنابر اکرام است در حدیثی آمده که از آن

هر عملی که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو گوید اشهد ان لا اله الا الله

وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله گویند هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود

از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزه رمضان کند و زکوة دهد و از هفت کبیره پرهیزد

هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بگشادن هشت دروازه بهشت وارد شده در حق

کسی که سه فرزند طفل او مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را از طعام سیر کند و در حق

زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود کند و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که مردم

را نفع کند و در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند **فصل**

فصل

فصل

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و چهار گل مشک
و سنگ ریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه خوش باشد
ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و جامه او کهنه نشود و جوانی او زایل نگردد نهرهای بهشت در غار
پروند بالا نمی روند در میان دو بار دروازه بهشت چهل ساله راه باشد در چهل
از دحام مردم پهلو به پهلو روند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت
من هفتاد هزار یا هفت لکه راوی شک کند داخل بهشت شوند برابر دست بالات گرفته روی ایشان مانند شب
چهاردهم باشد فصل در بهشت غرفه ها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر

فصل

دیده شود اهل بهشت اهل غرفه ها را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود
برای تفاضل که درمیان ایشان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند فرمود قسم بخدا
که آن منازل مردمان را باشند که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبران را و در حدیثی آمده که غرفه ها
برای کسانی باشد که با هر یک کلام نیکو نرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها نماز گذارند در حالیکه مردم خفته باشند
و در حدیثی آمده روا هر یک سلام گوید و در حدیثی آمده که همه روزه متصل دارند و در حدیثی آمده که هر که
برادر خود را سلام کرده و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا افشای سلام کرد و کسیکه اهل و عیال خود را

از طعام

ند طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که از ماه رمضان و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا
همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر با جماعت خواند او نماز خواند در شب در جاییکه مردم یعنی کافران
در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله کرا طاقت هست که افشای سلام
و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کنند والکن تمام حاصل آنکه اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم
کافیست اگر فضل الهی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفه ها در بهشت مهیا کرده است برای
کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقات با هم نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا کنند در حدیثی آمده که غرفها
بهشت یا نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند پس چگونه انگار شود فرمود مانند پرنده
پرنده رسیده باشند آن غرفه ها صاحب بیمار [illegible] صاحب [illegible] و بلا را و از عمران بن حصین و ابو هریره روایتست
که فرمان حضرت احوال مساکن طیبه فی جنات عدن پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در آن
قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند
بر هر تخت هفتاد فرش باشد و هفتاد رنگ بر هر فرشی زوجه از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوانی هفتاد
رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان را قوت جماع آنقدر باشد که با همه ازواجات
جماع کند در احادیث تعالی معلوم که سبب بنای خانه در بهشت باشد بسیار ذکر کرده اند از آنجمله بنا
کردن مسجد و مواظبت بر سنن روایتست نماز ظهر و چهار کانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان حور و

هفتاد

و سوره دخان خواند در شب جمعه و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که

وقت داخل شدن بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت

و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر نوشته شود برای او هزار هزار حسنه و محو کرده شود از او هزار هزار گناه و بنا کرده

شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سوره اخلاص خواند یک خانه برای او در بهشت بنا کرده

شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله در این صورت بسیار خانه ها خواهیم داشت

بهشت فرمود که فضل خدا فراخ تر [illegible] طبرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که [illegible] در بهشت [illegible]

از ذکر بند میشود از بنا کردن بنده میشود [illegible] گفته میشود ایشان را که چرا باز ماندند از بنا کردن تا که [illegible]

رسد و همچنین از عباس ابو نعیم روایت کرده و در حدیثی آمده که هر گاه [illegible] فرزند او [illegible] و حمد گفت و

انا لله و انا الیه راجعون گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد

و فرمود که هر که در صف نماز یا صف قتال فرجه شد کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت

و فرمود هر که دروغگویی ترک کند خانه او یک سو در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محق باشد بنا کند

خدا برای او خانه در میانه بهشت و هر که را خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او جا شود و فرمود هر که در روز [illegible]

نماز خواند [illegible] نوشته شود و خانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانی کند بنا شود خانه

او در بهشت بنا شود فصل در پهنای بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و

فصل

در بعضی پانصد و بعضی هفتاد ساله راه و در جمع حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که ذمی
را کشت او را بوی بهشت نرسد و همچنین چهار دانند در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند
و در حق کسی که خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسی که نافرمانی والدین کند
و کسی که مدمن خمر باشد و کسی که قطع رحم کند و کسی که در پیری زنا کند و کسی که بتکبر ازار خود بزمین کشد،
و کسی که خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که در دل او مقدار دانه خردلی کبر باشد حلال
نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند **فصل** در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که درختانی بهشت آنچنان باشد که اگر در سایه او سوار صد سال راند رود سایه او را قطع نکند
و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده
که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد ساله راه و در آن پروانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلها باشد
و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درختیست صد ساله راه بار جامه پوشاک بهشتیان از آن بر آید و
فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت نباشد تنه او از زر باشد و از ابن عباس مرویست که نخله
مگر آنکه
بهشت تنهاش زمرد سبز و شاخهای آن طلای سرخ و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعه و هم حلها
و ثمر آن مثل قلها باشد از شیر و شیرین تر از عسل و نرم تر از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی
رضی الله عنه چوبی خشک در دست گرفت و گفت اگر در بهشت اینقدر چوب طلب کنی نیابی
مردم گفتند که اینجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشد و بالای آن ثمر باشد یک

اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده ایذا میکند صاحب خود را فرمود
آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فی سدر مخضود یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خارهای او را
بجای هر خاری ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ طعام برآید که مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بهشت باشند که
استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گرفت مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و
خاک او از مشک و درختان از زر و نقره و شاخها از مروارید و زبرجد و ثمرها بقیمی که استاده و نشسته و خفته آنرا بگیرد و
مسروق رضی الله عنه گفته که ثمره جنت هرگاه که شکسته شود بجای آن دیگر قایم شود و ابوهریره گفته که سدره
بهشت را طوبی گویند حق تعالی بفرماید بشکاف برای بنده من هرچه خواهد پس بشکافد از آن اسپ زین
و لگام چنانچه خواهد و برآید شتر با جل و مهار بقیمی که خواهد و برآید پارچه آنچه خواهد و در احادیث وارد
شده هرکه سبحان الله العظیم گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابوهریره
رضی الله عنه را دید که درختی میرفت فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آری چیست
فرمود سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را ازمن سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش خاک است
و شیرین آب و آن بی درخت است درختهای آن لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله است و
آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه ختم قرآن کند دعا قبول شود و درخت در بهشت نشانده شود و ابن عباس
رضی الله عنه گفته که هرکه برای کار نیک رود بهر جانوران زمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت

درخ

در خدمت ماندن نبود و گناهان او بخشیده شود حق تعالی میفرماید فیهما فاکهة ونخل ورمان فاکهة مما یشتهون فاکهة
کثیرة لا مقطوعة ولا ممنوعة فیهما من کل فاکهة زوجان ابن عباس رضی الله عنه گفته که در دنیا از ثمرهای
بهشت نیست مگر نام و گفته هر چه در دنیا از ثمرهاست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست یعنی
صورت تمام هر یک دنیاها در بهشت باشد لیکن در حقیقت و لذت چیزی دیگر باشد و ثمرهای بهشت را
دود و اندوه که از طول باشد و خستگی نباشد فصل حق تعالی میفرماید امددناهم بفاکهة ولحم مما یشتهون رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم بدرستیکه تو ببینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیافتد پیش تو بریان کرده
و ابی امامه گفته مردی در بهشت رغبت طیر کند افتد پیش او مثل شتر بختی رسیده بی دود و نه آتش بستر
زنان بخورد تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند
و بول نکنند و آب دهن و آب بینی نیندازند طعامی که خورند از آروغ و عرق بیرون رود و بوی آن
مثل بوی مشک باشد و فرموده هر مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد
و هم فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در اوقاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر ایشان سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام
که شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین انهار
بهشت است صرف آن مقربان خورند و دیگران را از آن خلط شود حق تعالی میفرماید مزاجه من
تسنیم عینا یشرب بها المقربون رسول محمد صلی الله علیه وسلم که نهرهای بهشت از کوه مشک برآیند

و فرموده که نهرهای بهشت در غارها روند بر روی زمین روند کنارهای ایشان از مروارید و خاک آن
مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت که در بهشت نهریست که آنرا اسلاح گویند بر روی وی قبه‌ها
باشند از یاقوت زبرجد دختران باشند رو بنده مردم بر آن نهر آیند آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری
کسی را خوش آید دست خود بوی رسانند و آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برویند
و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید یفجرونها تفجیرا یعنی اهل بهشت هر جا که خواهند آن نهرها را بالتجا
ببرند یا اهل بهشت قضیبها باشند از زر آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند و عن
ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت محمد صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمانی را در تشنگی آب خوراند
حق تعالی او را از رحیق مختوم بنوشاند و رحیق مختوم عبارت از خمریست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد
و از خمر بهشت صداع نشود چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد چنان اهل بهشت را رغبت شراب باشد
بدست او آن قدر رسیده شود که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرموده هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند
در آخرت از آن محروم باشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که یکبار خمر خورد در دنیا یا یکی صغیر را
خوراند او را حق تعالی حمیم جهنم خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک کند با وجود قدرت بر آن او را حظیرة
القدس خورانیده شود و در حدیث وارد شده که در بهشت درختی باشد که از آن لباس بهشتیان بر آید اگر خواهد
سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد با رنگ و خوشتر ابن ابی حاتم از
کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را کسی در دنیا بپوشد چشمها دیدن آنرا متحمل نشوند هر که آنرا

دیده

بیند مدهوش شود و بمیرد و صابونی از عکرمه روایت کرده که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ متبدل شود
و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد در آخرة نپوشد اگر چه داخل بهشت
شود و فرموده هر که در دنیا در ظروف زر یا نقره خورد در آخرة از آن نخورد **فصل** در صحیحین است که مومن را
زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو بآنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن مابین مشرق و مغرب روشن سازد و آنحضرت
فرموده هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که مصیبت زده را
تعزیه کند حق تعالی زیور لعل و حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که ترک لباس کند بتواضع
با وجود قدرة حق تعالی او را بر سر خلایق طلب کند و مختار سازد در حله های ایمان هر چه خواهد بپوشد
مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد یکی از زر دوم از نقره
سیوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز پیدائش خود
تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکنند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بطائنها من استبرق
یعنی ابره لباس بهشتیان را استر از سندس و استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی ابرها ی
شانی از نور جامد باشد **فصل** متکئین فیها علی الارائک یعنی تکیه زده بر اریکه ها بنشینند اریکه
را در هند چپر کهت میگویند که در زیر آن تخت یعنی چهار پائی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته
اریکه ها باشند از مروارید و یاقوت و نمارق مصفوفة یعنی تکیه ها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست

که خیمه از مروارید مجوف باشد فرسخ در فرسخ چهار هزار در خشته از زر و دران باشد متقابلین یعنی اهل بهشت
دو برو بنشینند یعنی بعضی را پشت نه باشد و در صحیح از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
که خیمه یک مروارید مجوف باشد که شصت گز مرتفع باشد در هر گوشه ازان اهل خانه باشند برای مومن
که دیگر اهل خانه آنرا نه بینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد فصل در صحیح بخاری از آنحضرت صلی الله
علیه و سلم مرویست که هر کسی را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس از آنحضرت
روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوة هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوة صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد
و ترمذی از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند
هفتاد از خلق بهشت و دو زن از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در
بعض روایات عدد نساء بکثرت بسیار آمده شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن
در روایت دو زن از اهل دنیا بهمه بیشتر معنی ابد که در حدیث صحیح است که آنحضرت زنان
را گفتند اریتکن اکثر اهل النار یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زنان گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمائید و نیز آنحضرت از
غرابها راوید دران غرابها یکی که سفید بازوها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل
بهشت نشود مگر مانند این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان

در بهشت از مردان مضاعف باشند توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن
باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن انجام شان به بهشت باشد و مراد اکثر اهل النار هم خلود
لا خلود ابدا بدلیل آنکه علت دخول زنان در دوزخ کفر نبوده است بلکه اکثار لعن و کفران عشیر نموده
و محتمل که مراد آن باشد که هر کسی را از امت محمدی دو زن باشند که از زنان آدمیه سابقه باشند یا طفل مرده
باشند از اطفال مومنین یا از اطفال کفار و وقت دخول جنت جوان باشند و در نکاح مردان مکلف داده شوند
لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و نفاس و بول
و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که اگر زنی از زنان بهشت
ظاهر شود ما بین آسمان و زمین را روشن و خوشبو کند روشنی آفتاب را بپوشد و دوپیته سر او از دنیا
و ما فیها بهتر باشد و فرموده آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج چون داخل بهشت شدم در موضع
که منسوج نام دارد حوران دیدم با جوهرات و مروارید و زبرجد بوده آواز زنان شنیدم السلام علیک
یا رسول الله گفتم یا جبرئیل این چه آواز است گفت این حوران مقصورات فی الخیام اند از حق تعالی اذن
خواستند که بر تو سلام گویند آخر شعر ایشان آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی نکنیم و همیشه باشندگان
گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که حوران بهشت از
زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها از مشک و زعفران و کافور باشد
نه از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرموده صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از

حوران بهشت

زنان دنیا از حور العین افضل باشند مانند فضل ابره بر بطانه بسبب نماز و روزه حق تعالی رویهای ایشان را نور بخشد و جسدهای ایشان را

سفید و حریر و مجامر ایشان از مروارید و شانه‌های ایشان از زر باشد ام سلمه پرسید یا رسول الله زنی در دنیا

دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار دهند هر کرا خواهد اختیار کند نکوتر را

در اخلاق در معجم اوسط ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر ازواج را باشد

و ابن سعد از اسماء بنت ابی بکر صدیق رضی الله عنها روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح بود و آن زن شوهر دیگر کرد در

بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید انا انشأناهن انشاء فجعلناهن ابکارا عربا اترابا

یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد باکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان به یک عمر

باشند ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که پیر زنان و کور چشم و چرکین

چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز طبرانی از ام سلمه روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل

بهشت مرد و زن همه به یک عمر باشند سی و سه ساله حق تعالی میفرماید حور عین یعنی سیاه چشم و کلان چشم کامثال

حور عین

اللؤلؤ المکنون یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خیرات حسان یعنی نیک خو و خوش رو ابن

مبارک از اوزاعی روایت کرده که نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند و غیرت یکدیگر نکنند و ایذا

ندهند قاصرات الطرف یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند شوهر دیگر را نه بینند و فرموده

کواعب اترابا یعنی پستان نو خاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله

علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود و ...

[illegible]

از ابن عباس از آن سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه با چندین زن جماع کنند
و طبرانی از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که لذت جماع ماندگی نبود و شهوت منقطع نشود و بزار
وغیره از ابی سعید خدری از آنحضرت روایت کرده که اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود ولیکن از
جماع در جنت توالد نباشد و اگر کسی را خواهش [illegible] آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت شود در بهشت
و برکند روی الترمذی و البیهقی و غیر جماعت عنه صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حور عین
صحبت داشته باشد ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوریست بهتر از
اولی میگوید که ای ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر گردد
بهتر از ثانیه و همچنین و همچنین رسول فرموده صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی
از آن باشد او را حور عین دهم شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
خود را [illegible] و کسی که بعد هر نماز سوره اخلاص خواند و فرموده مهر حوران قبضه‌های خرما و پاره‌های نان است
نیز آنچه بدر ایشان بر برد و فرموده جاروب کردن مساجد مهر حوران است و فرموده که بهشت زینت
میکرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان و حوران زینت میکنند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید الهی بگردان در این ماه از بندگان خود ساکنان بر من و حوران گویند
الهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرد شود چشم ما از ایشان و چشم آنها از ما و فرموده در بهشت

و حور بانگ زنند هفتاد هزار غلام بود بشنودانت و پنجاهی بر دست حبیب او راه روند و بگویند کجا باشند

امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی جفت خود را در دنیا ایذا کند زن او از حوران

گوید ای خدا رحمه این را که مهمان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود

که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند بلی آنگاه پرده ها از میان برداشته شود او را ببینند و از اشتیاق ملاقات

نمایند **فصل** از ابو هریره و ابن عمر رضی الله عنه مرویست که حوران باواز خوش سرود کنند که کسی نشنیده باشد مثل آن

تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و تکرار دعای باین الفاظ نحن حور حسان هدینا لازواج کرام

و نحن الخالدات فلا نموتن و نحن الراضیات فلا نسخطن و نحن الناعمات فلا نبأسن و نحن المقیمات

الخالدات

فلا نظعن و در حدیث است که اگر اهل بهشت خواهش سرود کنند بادها را حکم شود که در شاخهای سبز درختان

که از مروارید است در آیند و حرکت دهند بنوعی که آوازهای خوش بر آید و درختان را حکم شود که بندگان

که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند ایشان را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان

بتسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملکی آوازهای خوش بتسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود که آنحضرت باواز خوش حمد خدا خوانند و حکیم در نوادر الاصول

از ابی موسی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که فرمود که هر که در دنیا سرود شنود او را اذن نشود که

آواز روحانیان قراء اهل بهشت بشنوند **فصل** ظروف در بهشت از زر و نقره باشند لطافت مثل

شیشه قوله تعالی کانت قواریر من فضة یعنی صفتی دارد ظروف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد

لطاف

شفاف نباشد هر کسی را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر پیش آورده شود و در هر یک رنگی از طعام
باشد که در دیگر نباشد فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوت‌هایشان که در میان باشد دور شود و باهم
دوست و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشند و در حدیثی بجز آن آمده و در حدیثی ده هزار
خادم از جمله آن مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند
و بر مؤمنان سلام بگویند در بهشت کذب و لغو و هزل و دشنام و مانند آن نباشد مرد عربی گفت یا رسول الله
در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر گاه سوار اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ
و سوار شوی او را پر باشد بپرد با تو هر جا که خواهی رساند دیگری گفت یا رسول الله شتر باشد فرمود
اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم تو لذت دهد مهیا باشد فصل در بهشت بازار
باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورت‌های مردان و زنان در آن باشند هر صورت که کسی را خوش کند
به صورت آن صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده در جنت
عین سوار انبیا و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خاطر کسی هم نگذشته باشد فقیر
گوید شاید مراد از این حدیث آن باشد که در آن رؤیت حق تعالی دائم باشد مسلم از انس از آنحضرت صلی الله
علیه و سلم روایت کرده که در بهشت بازاری باشد در آن توده‌های مشک باشند روز جمعه مردم در آنجا روند باد
شمال بر آنها وزد مشک بر روها و پارچه‌های ایشان افشاند حسن و جمال زیاده شود چون نزد اهل خود
روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده کرده‌اید و در احادیث آمده که طیور در بهشت مثل شتر بختی

باشند چون شخصی قصد خوردن آن کنند بر خوان او بیفتد و از آن بلذت خورد باز آن طایر
بپرد و برود و در بهشت باهم ملاقات‌ها نمایند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین و ابن
ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایة کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی باشد که از
بالای آن حله‌ها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای ایشان و لگامهای ایشان از مروارید و یاقوت
باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بر آن سوار شوند و بکشد آنجا که دیگر مردم
که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور ایشان نور ما را فرو نشانده فرماید که
اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما میخفتید بعضی از
مجاهد و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و اذا رأیت ثم رأیت نعیما و ملکا کبیرا گفته که مراد
از ملک کبیر آنست که فرشته رب العزة تحفه‌ها و لطف‌ها برای وی آرد و بوی نرسد تا که اذن
دخول طلب کنند از حاجب و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین حتی اذن دهد ولی الله
بدخول در برگاه خوفی خواهد یا اذن به پروردگار خود مشرف شود فقیر گوید این از آنجاست که حق تعالی
اقرب است از حبل الورید و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد **فصل** ترمذی و حاکم
از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت یکصد و بیست صف باشند
از آنجمله هشتاد صف از امت محمد صلی الله علیه وسلم و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر از جابر روایة کرده که
مومنان را هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی وعده یابد که بخواهید از فضل هر چه خواهند مردم بعضا

در دنیا داران

کنند که چه چیز در خور است کتیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی
و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایة کرده که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که ذکر
خدا نکرده باشند ابن عساکر از امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
بوی بهشت بر هزار ساله راه میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسی را
که از تکبر دامن دراز کند نرسد فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقات ها
کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایة کرده که آنحضرت فرموده صلی الله علیه وسلم
که چون بهشتیان داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگر آید و با هم سخن گویند
آنچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت و دوزخیان را هم ببینند و هرگاه بهشتیان خواهند با پیغمبران و اصحاب
درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابو نعیم و غیره از عایشه روایة کرده که مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد
و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و عیال خود دوست تر دارم و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم
کرد تا که بخدمت حاضر آیم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم میترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران
باشی و من اگر به بهشت روم ترا نه بینم آن حضرت جواب نداد تا که جبرئیل نازل شد و این آیة آورد و من یطع
الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین الآیة احمد و طبرانی از ابو هریره
و معاذ بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هرکه در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر
باشد یا کبیر همه ایشان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن ایشان موی نباشد و امرد باشند یعنی بی ریش و به عمر سی و سه سال

سیاه اند بیست ساله باشند که نه ریش و در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس آورده که در بهشت موسی علیه السلام
را ریش باشد تا سینه و دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست که آدم علیه السلام ریش سیاه تا ناف دیگری را نباشد
شاید که برد و را باشند نه غیر ایشان را و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایه کرده که آنحضرت فرمود صلی الله
علیه وسلم که جمیع اهل بهشت بنام های خویشان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله
علیه وسلم و طبرانی از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور برآیند
زبان سریانی باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایة
کرده که دیدم اکثر اهل جنة فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایه کرده
که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرة و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش
گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابو هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایه کرده که داخل بهشت شوند
جماعتها که دلهای ایشان مثل دلهای پرندگان باشند یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از
ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند
چرا راضی نشویم که ما را نعمتها دادی که هیچ کس را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا ندهم شما را چیزی
همه افضل است گویند ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ناراض نشوم **فصل** برگزیده
نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علی روافض و خوارج و معتزله ازان انکار دارند اهل سنت و جماعت
بدان معتقد شده اند حق تعالی میفرماید وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة و میفرماید للذین احسنوا الحسنی و

وزیاده مراد از حسنی بهشت است واززیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیه باین معنی از چهار از صحابه الذین و

ابی ابن کعب وکعب بن عجره وابن مرجیه وانس وابوهریره وابوموسی اشعری وابن عباس وابن مسعود

وغیره مرویست ورسول فرمود صلی الله علیه وسلم قریب است که خواهند دید پروردگار خود را روز قیامه چنانچه می بینید

ماه را در شب چهاردهم در حالی که هیچ حجاب درمیان نباشد یحیی بن سعید گفته که در رویة حق تعالی بیست و هفت حدیث

صحیح وارد شده واجماع امة بر آن منعقد گشته انکار آن کفر است ذکر احادیث رویة بسیار طول دارد

وقصه که بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد از کعب احبار مرویست که

آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر آیند بچمنهای بهشت وخدا را ببینند [illegible] در سالی یکدوبار و در بعض احادیث

آمده که در هر هفته یکبار ونشاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد و در بعض احادیث

آمده در هر روز یکبار وبیهقی از اعمش روایة کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد که هر صبح و هر شام

بیند وابونعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایة کرده که بندگان خاص حق تعالی چنان باشند

که اگر یک آن از رویة محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان برای خروج از دوزخ فریاد کنند فائده

از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا

صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا فرموده هر که خواهد خدا را ببیند باید که عمل صالح کند وکسی را بران

آگاه نسازد و جز نکند فصل بعض علما گفته اند که رویة حق تعالی مخصوص به بشرست ملائکه را نخواهد شد

لیکن بیهقی ملائکه را هم رویة ثابت کرده از عمرو بن عاص روایة کرده که حق تعالی ملائکه را بیافریده

چندین صف هم‌چنان همیشه در عبادة قایم اند تا روز قیامة چون روز قیامة شود بر ایشان حق تعالی تجلی
کند پس ببینند حق تعالی را و بگویند ما عبدناک حق عبادتک و نیز از مردی از اصحاب آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایة کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدا میلرزد شانهای ایشان
نیست از اینها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از آن قطره فرشته بر آید که تسبیح میکند
جماعتی از فرشتگان از روز که پیدا شده اند در سجده اند سر از سجده بر نداشته اند تا روز قیامة و
بعضی صف بسته ایستاده اند از آن حرکت نکرده تا روز قیامة چون روز قیامة شود حق تعالی تجلی کند
و خود را به بینند گویند سبحانک ما عبدناک کما ینبغی یعنی پاکی است مر ترا عبادة نکردیم ترا چنانچه
شاید فصل کفار از جن و انس در دوزخ باشند باتفاق و در مومنان از جن علما را اختلاف است
بعضی گویند ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از ابن سلیم آورده که گفت
انس
مسلمانان جن نه داخل بهشت شوند نه داخل دوزخ و بعضی از ایشان نقل میکنند لیکن حق
آنست که مومنان جن را ثواب و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطابا للثقلین و
لمن خاف مقام ربه جنتان فبای آلاء ربکما تکذبان و قال لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان
و قال الله حکایة عن کلام الجن ومن اسلم فاولئک تحروا رشدا واما القاسطون فکانوا لجهنم
حطبا و بعضی از انس از آن سرور صلی الله علیه وسلم روایة کرده که مومنان جن را ثواب باشد
و مر ایشان را عقاب باشد پس سؤال کردیم از ثواب ایشان فرمود بر اعراف باشند نه در بهشت با

رفته محمد صلی الله علیه وسلم خبا شند پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جائیست بیرون بهشت دران نهرها
جاری اند و درختها و ثمرها واز ابن وهب مرویست که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری
حق تعالی میفرماید اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم
کانوا خاسرین ولکل درجات مما عملوا و بیهقی از ابن عباس روایت کرده که خلق بر چهار قسم اند یک خلق
تمام در جنت باشند و آن ملائکه دیگری تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در بهشت و بعضی
در دوزخ و آن جن و انس و حمزه بن حبیب گفته چون داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای
انس انسیات الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار والصلوة والسلام علی محمد النبی المختار
قسیم الجنة والنار وعلی اله واصحابه الابرار الاخیار تمت تمام